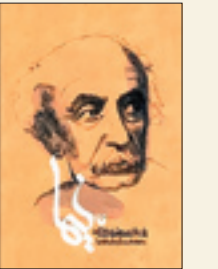


پیش‌خواب

«یادداشت‌های روزانه نیما» دریچه‌ای به واپسین سالیان حیات

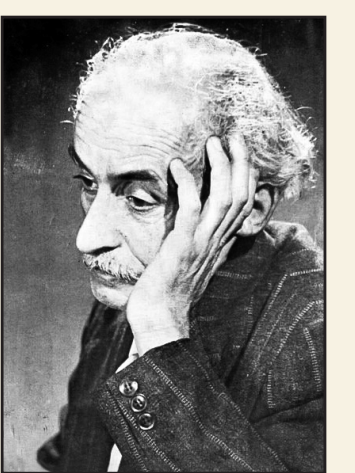
روایتی از تحقیر و تکدر و تنگدستی!

■ شاهد توحیدی



اوراقی که هم اینک در وصف آن سخن می‌گوییم، ۳۰سال پس از وفات علی اسفند یاری، معروف به «نیما یوشیج» نشر یافت. به

رضایی‌نیا واز سوی انتشارات سور مهر، تازنمای‌ناشر در مقام ایراد توضیحات تکمیلی، به نکات پی آمده اشرا ت برده است: «کتاب یادداشت‌های روزانه نیما، اثر عبدالرضا رضایی‌نیا، نوشته‌های دهه پایانی عمر نیماست، یک ماه‌مانده به سفر ابدی نیما در ۶۲سالگی. باین وصف، بی‌شک فصل الخطاب همه حرف‌وحدیث‌هایی است که دیگران درباره شعر، شخصیت‌و عقاید نیما ساخته و پرداخته‌اند. غربت تقدیر مشترک شاعران است اما نیما از غریب‌ترین شاعران قرن ماست، آییندهار غربت‌ها و غرابت‌های بی‌انتفاع تا پایان عمر، نه تنها در شعر، در زندگی‌را ز گونه‌ناش که سرشار از آوارگی و تلخی و تنهایی و شگفتی هاست. نشان و تمام غربت بزرگ نیما، همین که دست کم تا سال ۱۳۶۹، یعنی سده‌ده پس از درگذشت او که یادداشت‌های روزانه‌اش برای نخستین بار به چاپ می‌رسد، بسیاری بر این گمان بوده‌اند که زندگی و شعر نیما را باید در دایره‌ای تنگ از تجرب‌ها و تعصب‌های مارکسیستی و توده‌ای تأویل کرد. در این میدان برخی با تکیه بر مکالمه نیما با حافظ در پاره‌ای از منظومه افسانه، روح شعر او را به اندیشه الحادی ماورای بحار گره می‌زند و برخی باستناد به اشاره نیما به تأثیرپذیری‌اش از زبان و ادبیات فرانسه در ایام تحصیل در مدرسه فرانسوی، مبدأ و معاد شعر و نگره شعری‌اش را غیر ایرانی و گاه ضد ایرانی می‌خوانند و گروهی دیگر با ادعای پایان تاریخ مصرف راه و نگاه نیما، ماجرا جویانه به خیال خلق تئوری‌های



► علی اسفند یاری معروف به «نیما یوشیج»

پسانیمایی و اعلان برات‌ن از نیما و شعر نیمایی افتاده و انگار در گسترش طنز و هزل کم‌توفیق نبوده‌اند که بگذریم. حتی می‌توان گفت تبصره‌ای است قاطع و انگار ناپذیر بر تمام شعرها و نوشته‌های پیشین نیما که در روشن ساختن نقاط تاریک و زوایای مبهم آنها کارساز خواهد بود، همچنین در توضیح آنها و حتی تصحیح آنها، به سبب اهمیت ویژه این یادداشت‌ها در پی بردن به سیر و سلوک نیما، این مقاله بر آن است تا به عنوان درآمدی بر بازخوانی دقیق تر نیما، به گفت‌وگو گزارشی اجمالی در یادداشت‌های روزانه‌اش بپردازد. باین تأکید که تمام سعی ما در این تصریح که به تلخ و شیرین نیما در آمیخته، برجسته‌سازی خطوط اصلی یادداشت‌ها و روایت‌پاره‌ای از آنهاست. نیما در این مکتوب‌مهم، فقط و فقط یادداشت‌های می‌نویسد و بس. گاه به جد، گاه به طنز، گاه به هجو و گاه در آمیزه‌ای از همه اینها. صریح و تلگرافی می‌نویسد، بی‌شیله و پیله. دغدغه زیبایی نثر ندارد. باین همه، به‌رغم پررسانی‌ها و پراکندگی‌ها، نیما واقف است که این سطرهای شتاب‌زده و مشوش، یادداشت‌هایی است برای آیندگانی که به مطالعه و بررسی اوضاع و احوال او می‌پردازند. این اشاره نیما در ابتدای یادداشت‌هاست، به نشانه عمد و آگاهی در قلمی کردن چنین سطرهایی که روزی سرگشاده خواهد شد و از این اوراق آقای علی اسفندیاری، به کوچه و بازار ادبیات راه خواهد یافت. جالب اینکه او در این یادداشت‌هایی آنکه تقدس پیشه کند، به اشاره و تصریح و وضع حال خلوت‌های خود را انیز باز می‌گوید، اینکه به ضرب تذخیر می‌نویسد، اینکه تنگ‌دستی‌اش شانه‌به‌شانه برخی تکذرها ی اندرونی است، اینکه یادداشت‌هایی آنکه تقدس پیشه کند، به گام‌هایش در آینده شعر و ادبیات فارسی از تحقیرها و تخفیف‌ها آزار می‌بیند و از ناچوانمردی پیرامونیان در هم می‌شکند و اینکه ساده‌دلی و بی‌دست و پایی‌اش در فروبستگی کار معاشش، نقش‌ها داشته و اینکه با همه شکیبایی و امبداری‌اش، باز نگران آینده شعرهایی است که در کیسه دارد.»

در واپسین روزهای سال گذشته، آغازین مجلد از روزنگاشت‌های زنده یاد جلال آل احمد، به همت انتشارات اطلاعات منتشر شد. در مقال پی آمده محمدحسین دانایی که این اثر را آماده نشر ساخته،

به بازنمایی شکل و

محتوای آن پرداخته و تأثیرات این رویداد بر فرایند آل احمد پژوهی را مورد ارزیابی قرار داده است. ذکر این نکته بایسته است که بررسی تأثیر این یادداشت‌ها، در داوری کلی پیرامون کارنامه «جلال»، همچنان در دستور کار صفحه تاریخ «جوان» قرار خواهد داشت.

■ ■ ■

■ در زمانه و کارنامه جلال آل احمد

جلال آل احمد (۱۳۴۸ – ۱۳۰۲ شمسی) یکی از متفکران و نویسندگان نامدار معاصر است، با ده‌ها عنوان کتاب زبانی، تحقیقی، ترجمه، مقاله، مصاحبه، نقد و بررسی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی. کسی که پرچمدار جریان روشنفکری کشور در دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ بود، با سبک ادبی اصطلاحاً رئالیسم و شیوه نگارش ابداعی و خاص خودش که به نثر چکشی و تلگرافی معروف شده است. بسیاری از معاصران و معاشقران آل احمد را جمله مرحوم بزرگ علوی، زندگی‌او را پر بارتر از آثارش می‌دانند و معتقدند شرح زندگی آل احمد، شاهکار واقعی اوست. بانو سیمین دانشور، نویسنده و مترجم نامدار کشور – که همسر جلال آل احمد و بهترین آل احمدشناس معاصر بود– در مقاله «شوهرم جلال» درباره او چنین نوشته است: «جلال خیلی شبیه نوشته‌هایش است، یعنی سبک جلال، خود اوست... اگر جلال در نوشته‌هایش تلگرافی، حساس، دقیق، تیزبین، خشمگین، افراتی، خشن، صریح، صمیمی، منزه‌طلب و حادثه‌ناور نیست، اگر کوشش دارد، خانه ظلم را ویران کند، اگر در نوشته‌هایش میان سیاست و ادب، ایمان و کفر، اعتقاد مطلق و بی‌اعتقادی در جدال است، در زندگی روزمره نیز همینطور است.»^(۱)

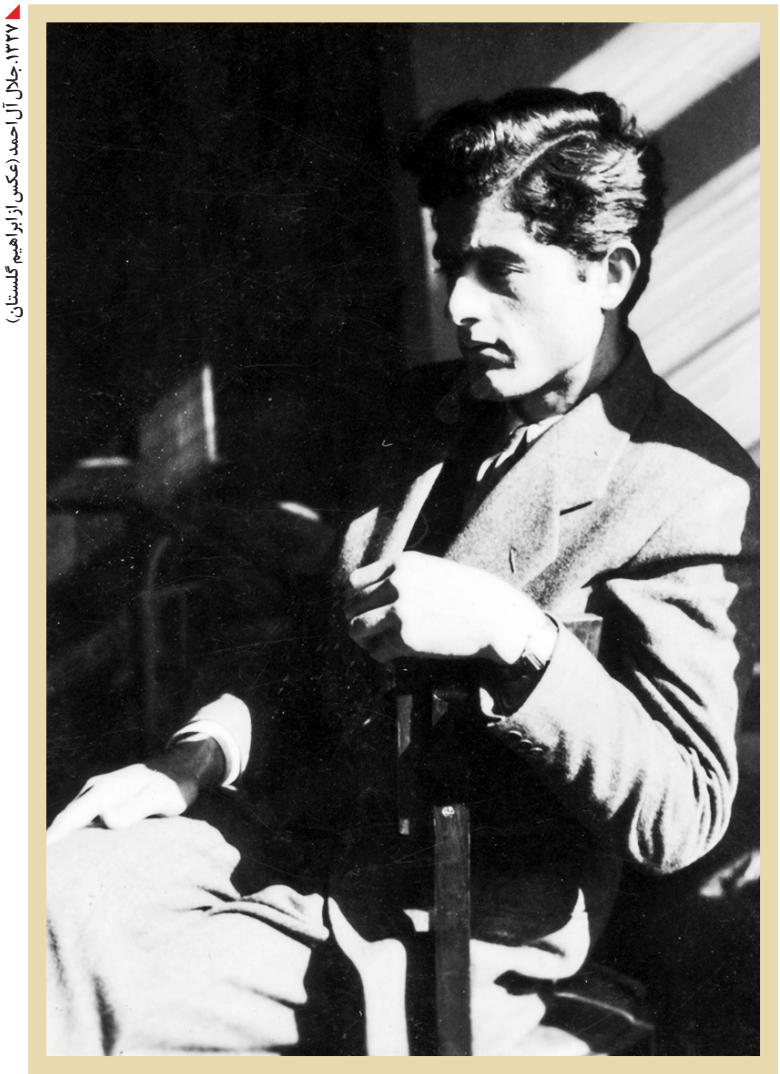
وصف آل احمد، از زبان خودش هم خواندنی است. او در

نسخه اصلی یادداشت‌های روزانه آل احمد، عبارت است از پنج جلد دفترچه، کلا مشتمل بر ۲ هزار و ۳۹۰ صفحه، حاوی رویدادهای ۱۴سال از زندگی ۴۶ساله او، یعنی از ۱۸مرداد ۱۳۳۴ لغایت ۲۸مرداد ۱۳۴۸ که ۲۰

روز قبل از درگذشت اوست و حاوی زندگینامه خودنوشت و گزارشی صریح و بی‌پرده است، راجع به مسائل و موضوعات خصوصی و عمومی، خدمات‌ها و خیانت‌ها و کارنامه بی‌ارفاق روشنفکران و فعالان حوزه سیاست

عاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۸۵۲۳



۱۳۳۷.جلال آل احمد (عکس از ابراهیم گلستان)

د

آندره موروا، متفکر و نویسنده نامدار فرانسوی می‌گوید: **«نوشتن زندگینامه، سخت‌ترین نوشتن‌هاست، زیرا اگر حقیقت را بنویسید، انسان‌ها را می‌رنجانید و اگر دروغ بنویسید، خدا را».** آل احمد با نوشتن زندگینامه خودش در قالب این یادداشت‌ها، **کرده است که جانب خدا را رعایت کرده و حساسی خدمت خلق رسیده است! آنهم یک حسابرسی جدی، بی‌امان و بدون رودربایستی که مقتضای همیشگی فکر و عملش بود. این یادداشت‌ها، از مرز یک زندگینامه عادی فراتر رفته‌اند و اگر نگویم به یک ادعانه، دست‌کم به یک داستان واقعی و رمان اجتماعی نزدیک شده‌اند.**

شدند و زمینه مساعد برای انتشار کامل یادداشت‌های مزبور فراهم آمد. شرح این دغدغه‌ها و چگونگی غلبه بر تردیدها و نزدیک‌شدن به تصمیم برای انتشار یادداشت‌های روزانه مرحوم جلال آل احمد، در مقدمه جلد اول آنها به تفصیل آمده است.

■ **کم‌وکیف یادداشت‌ها**

توضیحات راجع به محتوای یادداشت‌های روزانه، یا اتوبیوگرافی جلال آل احمد را نقل قولی از آندره موروا، متفکر و نویسنده نامدار فرانسوی آغاز می‌کنم: «نوشتن زندگینامه، سخت‌ترین نوشتن‌هاست زیرا اگر حقیقت را بنویسید، انسان‌ها را می‌رنجانید و اگر دروغ بنویسید، خدا را!». آل احمد با نوشتن زندگینامه خودش در قالب این یادداشت‌ها، ثابت کرده‌است که جانب خدا را رعایت کرده و حساسی خدمت خلق رسیده است! آنهم یک حسابرسی جدی، بی‌امان و بدون رودربایستی که مقتضای همیشگی فکر و عملش بود و بیشتر هم به تندی و تلخی می‌زد، بدین لحاظ یادداشت‌های مورد بحث، از مرز یک زندگینامه عادی فراتر رفته‌اند و اگر نگویم به یک ادعانه، دست‌کم به یک داستان و رمان اجتماعی نزدیک شده‌اند. داستان زندگی کسی که خودش نویسنده بوده و داستان زندگی خیلی‌ها را نوشته و اکنون که نوبت به خودش رسیده، از چیزی فرگذار نکرده و انصافاً یک شاهکار آفریده است. نسخه اصلی یادداشت‌های روزانه جلال آل احمد، عبارت است از پنج جلد دفترچه کلاً مشتمل بر ۲ هزار و ۳۳۹ صفحه، حاوی رویدادهای ۱۴سال از زندگی ۴۶ساله او، یعنی از ۱۸مرداد ۱۳۳۴ لغایت ۲۸مرداد ۱۳۴۸، ۲۰روز قبل از درگذشت اوست و حاوی زندگینامه خودنوشت و گزارشی صریح و بی‌پرده است، راجع به مسائل و موضوعات خصوصی و عمومی، روحیات و ذوقیات، دوستی‌ها و دشمنی‌ها، نشست‌ها و برخاست‌ها، خدمت‌ها و خیانت‌ها و کارنامه بی‌ارفاق روشنفکران و اهل ادب، صاحبان قلم و فعالان حوزه سیاست، بنابر این، خاطرات، یا یادداشت‌های روزانه جلال آل احمد را می‌توان کارنامه و گزارش عملکرد جریانات روشنفکری و فعالیت‌های جامعه‌ادبی و فرهنگی کشور در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی به حساب آورد و در عین حال، منبع اطلاعاتی خوبی است برای مطالعه درباره کمیت و کیفیت زندگی خصوصی اهل قلم و چگونگی مناسبات و تعاملات و روابط آنها با خودشان و با دیگران در سنوات مزبور و در نتیجه، این امکان را برای خواننده جست‌وجوگر فراهم خواهند آورد که به بخش‌های تاریک تاریخ ادبیات معاصر، دست یابد و دریابد که نویسنده این یادداشت‌ها و هم‌سازان و هم‌عصرانش – که اکثراً اهل قلم و فرهنگ و هنر و سیاست بوده‌اند– در چه زمان و مکان و فضایی و چگونه می‌زیسته‌اند، با چه مسائلی روبه‌رو بوده‌اند، چه منقلبه‌ها و حساسیت‌ها و دغدغه‌های داشته‌اند، در جلوت چگونه بوده‌اند و چون به خلوت می‌رفته‌اند، چه می‌کرده‌اند؟ و سرانجام، تلفقه بسیاری از اندیشه‌ها و رویکردها و شاهکارهای ادبی معاصر، چگونه بسته شده، چگونه رشد کرده و به رشته‌است، به تعبیر خود مرحوم آل احمد: «معرف خوبی است، که در این ناخودآگاه و شاید دقیقی است از عمر هدری که در این ملک می‌گذرانی...».^(۲)

از سوی دیگر، جلال آل احمد در یادداشت‌های روزانه‌اش نشان می‌دهد اصولاً نمی‌توانسته ننویسد. گویی‌زای، یادردی در درون داشته و می‌نوشته است تا آن‌را راز کشف، یا آن درد را درمان کند. به همین علت، شد خالص و خلص جلال آل احمد از چشم و دستان اقتدای است، خودنگری نویسنده‌ای تیزبین، شکاک، منتقد، بی‌پروا، صریح و صریح و صادق، صفاتی که مزبور در دیده، مقفود، یا معدوم شده باشند، یا در دست افراد فاقذ صلاحیت افتاده باشند و خدای نکرده مورد سوءاستفاده قرار بگیرند. این نگرانی‌ها موجب شدند، بازماندگان، برای پیشبرد جوی این دستنوشته‌ها دست به کار شوند. سرانجام در اردیبهشت ۱۳۹۳، قبل از اینکه منزل مشترک زنده‌یادان جلال آل احمد و سیمین دانشور به خانه –موزه– تبدیل شود، مقداری از دستنوشته‌های مرحوم آل احمد پیدا شدند و بدین ترتیب، دوران گمشدگی و انزوای این یادداشت‌ها به پایان رسید و به‌تدریج، تدارک مقتدمات برای انتشار آنها هم آغاز شد اما با محذورات و ملاحظات متعدد، یکی از این ملاحظات، «حجاب معاصرت» بود و ملاحظه دیگر، فقدان تاب‌آوری اجتماعی لازم، چه از سوی نهادهای نیروهای دولتی و چه از ناحیه مردم عادی و فقدان بر دباری هر دو دسته برای تحمل صراحت‌های آل احمد در خلوت یادداشت‌های روزانه، آنهم با قضاوت‌های تند و تیز و لحن‌های گزنده و نیش‌دار مخصوص خودش. ولی خوشبختانه گذشت زمان، به‌تدریج مواقع انتشار یادداشت‌های مزبور را کاهش و مقتضیات آن را افزایش داد و در نتیجه، شرایط کلی، هم از لحاظ محیط خانوادگی و مجامع دوستانه و هم از لحاظ فضای عمومی جامعه، مساعدتر شد و به‌تدریج تردیدها و دغدغه‌ها کم‌رنگ

فرار گرفت. فکر خودآموزی است. تجربه زیسته خودش را مهم می‌داند، آنها را فراموش نمی‌کند و از همه آنها درس می‌گیرد. حقیقت را در انحصار خود نمی‌داند، بلکه به دنبال فهمیدن و کشف حقیقت است، لذا اهل تعامل است با دیگران وارد گفت‌وگو می‌شود، گفت‌وگویی اصیل برای درک تازه، با شوق فراوان برای تغییر دیدگاه‌ها و باورهای قبلی بر اساس مشاهدات و دریافت‌های تازه. انسان زنده‌ای که جسماً و روحاً سالم است و در حال تغییر دائمی، تغییر روزمره یا تدریجی در باورها، عقاید و نظریات رانه تنها عیب نمی‌داند، بلکه معتقد است که این تغییرات در بسیاری از موارد نشانه رشد فکری، پویایی ذهن و انعطاف عقلانی هستند. بزرگان بسیاری از جمله سقراط، فارابی، مارکس، غزالی، ملاصدرا، مالکم ایکس و... هم چنین بوده‌اند، ملمغی‌های از تضادها و دائماً در حال «شدن»، همراه با تحولات فکری عمیق و دست‌یافتن به قلمروهای معرفتی تازه، متناسب با درک عمیق‌تری از زندگی و جهان به علاوه، شجاعت در بازبینی افکار غلط گذشته، رفتاری که نه تنها مایه شرمساری نیست، بلکه از فضیلت‌های نادر انسان‌های خردمند است، منشأ شکوفایی استعدادها، خلق اندیشه‌های نو و آثار تازه و تأثیر گذاری تاریخی که بدون تردید، یکی از زیباترین و انسانی‌ترین فراآیندهاست.



نمای از روزنگاشت‌های جلال آل احمد

روزنامه جوان | شماره ۱۳۲۸

شرایط حاضر که مخالفت با آل احمد مد شده و بیشتر سرخوردگان و نومیدشدگان از اوضاع و احوال کنونی، ترجیح می‌دهند که چشم‌شان را بر حقایق امور ببندند و همه ناکارآمدی‌های دولت‌ها در ۴۰ساله اخیر را به حساب آل احمد و آل احمدهای نوعی بگذارند، بی‌اعتنا به اینکه آل احمد خود از اولین نواندیش‌ها، نوگراها، سنت‌گریزها و تجرست‌سزهای دوران معاصر بوده و حدود ۳۰سال پیش از انقلاب اسلامی، کتاب «عزاداری‌های نامشروع» را ترجمه و منتشر کرده بوده و حدود ۱۰سال قبل از انقلاب هم، دارفانی را وداع کرده و رفته است! آنهم در حالی که به قول یکی از نویسندگان و منتقدان ادبی معاصر: «آل احمد به گردن ما و فرهنگ ما حقی عظیم دارد و باید خواندن دقیق نوشته‌هایش را از یاد نبریم. باید از آل احمد سیاست‌گزار باشیم که باقرار گرفتن در مرکز پرسش‌های روز گارش، با مکمل هم دیدن فرد و اجتماع، چراغی هم به دست ما داد که چهره خودمان و فرهنگ و تاریخی را که در آن زندگی می‌کنیم، بهتر و روشن‌تر ببینیم و به قول خودش، اقلدر مرد بود که برای بهتر بیان کردن اجتماع خودش را زیر ذره‌بین قرار داد، زیر وبالی خودش را کاوید و همه آنچه را دید، با صراحتی که در فرهنگ خو گرفته با پرده و دیوار ما، نمونه شناخته‌شده‌ای ندارد، به روی دایره ریخت...».^(۳)

به علاوه، این یادداشت‌ها گرچه رگه‌هایی از توانایی‌های هنری و ادبی آل احمد، بیه‌ویژه در ژانر گزارش‌نویسی را دارند، ولی اهمیت دیگرشان در این است که احساسات و به تعبیر دقیق‌تر، اعترافات این شخصیت سیاسی- فرهنگی را بی‌هیچ تکلفی از خود جای داده‌اند و در نتیجه، پاسخی هستند به آنانی که جلال آل احمد را یک‌بعدی دیده‌اند و از اسطوره‌ها ساخته‌اند، یا بی‌جهت بزرگش کرده‌اند، یا بی‌جهت حقیرش شعرده‌اند و در هر دو صورت، مایه اصلی آل احمد را آنچنان دست‌مالی و دست‌کاری کرده‌اند که تقریباً چیزی از اصل آن باقی نمانده است! چون: «همه جناح‌ها و گرایش‌ها، همواره می‌خواسته‌اند متون آل احمد را از آن خود کنند. جماعتی در درون حاکمیت و نظام سیاسی ایران، او را «جلال» یا حتی «سیدجلال» می‌خوانند و بسیاری از اپوزیسیون نیز به دوستی خود با جلال آل احمد افتخار می‌کنند، البته در کنار اینها هستند کسانی که حتی در روشنفکرودن آل احمد تشکیک کرده‌اند...»^(۴)

■ **به مثابه مجموعه‌ای از اصطلاحات و ظرافت‌ها**

یادداشت‌های روزانه جلال آل احمد علاوه بر اطلاعات تاریخی و اجتماعی و ادبی مزبور، مجموعه‌ای است از اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، طنز‌ها، لطیفه‌ها، اشعار، متلک‌ها و ظرافت‌هایی که مثل کمک، باعث مزه‌دارشدن غذا و تحریک ذائقه می‌شوند و ازین لحاظ، در ادبیات معاصر کم‌نظیر است. در واقع، نویسنده این یادداشت‌ها، با استفاده از ذوق و قریحه هنری خود، نکات مثبت و منفی را با صراحت بیان کرده و در همان حال، خودانتقادی را هم فراموش نکرده است. خواندن این یادداشت‌ها نشان می‌دهد در پس کله و در زوایای پنهان روح آدمی که سری پرسودا و زندگی‌ای بر عتقا داشته، چه خبرها و هیاهوها و کشاکش‌هایی وجود داشته است، کسی که نه تنها از حوادث، درگیر نمی‌گردد، بلکه به قول همسرش، «آل احمد می‌آفریده و به حوادث «پناه» می‌برده همچنان که در نوجوانی علیه دین و مذهب و سنت خانوادگی شورش کرده، بعد توده‌ای شد، ولی به‌سرعت انشعاب کرد و علیه او کارگاه مکتوبسیم دست به رسوایی زد، بعد غرب را دید و «غریزدی» را نوشت، بعد روشنفکر شد و در «خدمت و خیانت روشنفکران» را نوشت، بعد به امریکا و شوروی و اسرائیل و مکه و جدای‌های دیگر رفت و سفرنامه‌های افشازنده‌اش را نوشت و بعد هم نوک قلمش را تنیز کرد و پنهان‌ترین و رازآمیزترین هدایرهای وجودی خودش را کاوید و در قالب کتاب «سنگی بر گوری»، به جامعه و تاریخ ادبیات فارسی عرضه نمود!

■ **کلام آخر**

نکته پایانی در این باب که بیشتر جنبه کارپردی دارد، موضوع لزوم بازبینی آل احمد است! آنهم با استفاده از انبیزهای علمی باب‌روز، منظور این است که چون در حال حاضر، جلال آل احمد‌های متفاوتی به‌باز عرضه شده‌اند و همه هم ادعای اصالت دارند!، لذا دیگر نمی‌توان به راحتی از کسانی، مخصوصاً از جوان‌ها، توقع داشت که تنها به تحلیل‌های رسمی متداول قناعت کنند و یک جلال آل احمد گزینش شده را به عنوان جلال آل احمد واقعی بپذیرند. به‌رشدان هم نمی‌خورد. بنابراین تنها راهکاری که در این شرایط می‌تواند ادامه کز خوانی‌ها و خلاف‌گویی‌های رایج را بگیرند، ویژگی‌هایی که به بالا به برخی از آنها اشاره شد، روی‌هم‌رفته موجب شده‌اند که زندگی جلال آل احمد در عمل به یک صحنه پر گیرودار، با یک چرخه پرشور و حال تبدیل شود و «یادداشت‌های روزانه» او هم که جلد اولش در سال ۱۴۰۳ منتشر شده، شاهکاری است که این پدیده‌آموذود و شگفت‌انگیز را به‌وضوح و کمال نشان می‌دهد.

منابع

- سیمین دانشور، شوهرم جلال، انتشارات رواق، چاپ اول، ۱۳۶۰
- نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد، به کوشش مسعود جعفری‌جزی، نشر نیلوفر، جلد سوم، ۱۳۸۶
- جلد دوم یادداشت‌های روزانه، مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۳۹
- حورا بوری، گفت‌وگو درباره رمان «مدیر مدرسه»، مجله تجربه، شماره پیاپی ۱۳۳، فروردین ۱۳۹۷، ص ۱۹
- مجتبی ساداتی، مصاحبه درباره کتاب «بازسازی متون جلال آل احمد، سوره، نهاییسم و امر سیاسی»، مجله سینما و ادبیات، شماره ۵۹، اسفند ۱۳۹۵ و فروردین ۱۳۹۶، ص ۲۳۲